

آنچه در روز جمعه در تهران اتفاق افتاد، یکی از مظاهر تولید معنای مشترک و اجتماع عمومی حول آن معنا بود. نماز جمعه در حالی که رژیم وحشی اشغالگر، پارس می کرد و حمله به غزه و ضاحیه را برای استناد به توانمندی اش مورد اشاره قرار می داد، یک باطل السحر عمیق برای راهبردهای متعدد و متفاوت دشمن بود. فروریختن راهبرد ترس آفرینی رژیم صهیونیستی با حضور رهبر انقلاب از قبل نماز جمعه تا خواندن نماز عصر (که سابقه ندارد) موجب این امر و بیخشی از نتایج آن روز بود. اصل آنچه رخ داد، معنایی جمعی درباره ایران این لحظه بود. ایرانی که در طرفی از یک جنگ تمدنی است و طرف مقابلش نه باند جنایتکار صهیونی که کار قدرت غرب است اما نه می ترسد و نه عقب می کشد. ارزش این معناسازی حتما از ارزش موشک های اصابت کرده به نواتیم کمتر نیست که شاید بسیار بیشتر هم باشد.

جامعه ای که از ۱۳۰ سال پیش دچار برخی واگرایی ها در عرصه فرهنگ و اجتماع بوده و کشتاکش آنجا و اینجایش، موجب تعارضات درونی شده است، حالا برای معناسازی جمعی اقدام می کند. دقت کنیم که معناسازی فرهنگی یکی از پیچیده ترین فرایندهای فرهنگی است که در هسته یک حرکت فرهنگی قرار می گیرد و سپس بر اساس آن کنش جمعی، ارزش، هنجار و حتی نماد تولید می شود. نظام حکمرانی یا بهتر است بگوییم دولت، امکان تولید چنین فرایند کلاسی را نداشته و اتفاقا در جایی که ورود شتاب زده داشته، کار را بدتر کرده و فرایندهای درون جامعه ای آن را از بین برده است. آنچه دولت یا نظام حکمرانی می تواند ایجاد کند، تولید شیب اجتماعی برای تسریع، تعمیق، بازتولید یا گسترش این فرایند است و نه تولید با عاملیت مستقیم برای آن.

جامعه ایران برای ۱۳۰ سال گذشته با مشکل این معناسازی مشترک مواجه بوده و اتفاقا هر زمان توانسته آن را تولید کند، موفقیت های بزرگ به دست آورده است. انقلاب اسلامی نمونه بارز این معناسازی مشترک است که به فرایندهای متعدد اجتماعی، سیاسی اقتصادی، حکمرانی و فرهنگی منجر شد. اما همان برهه ارزشمند و تاریخی بازم دگر و واگرایی های داخلی و خارجی و مجبور شدن به عبور از چهارچوب مشترک شد تا جایی که یک گروه خشن در خرداد ۶۰ روی مردم اسلحه کشیدند و یک قدرت خارجی با استفاده از ابزارهای فرامنطقه ای به مرزهای این کشور تجاوز نظامی کرد. تلاش برای این معناسازی در جزئیات مختلف بارها صورت گرفته و البته در بسیاری از این موارد مفید و موفق هم بوده اما کلی کردن موضوعات و بزرگ کردن دایره افراد دخیل در آن، بسیار دشوار و کم شمار بوده است.

هم اکنون و شرایط یک سال گذشته از لحظه ورود رزمندگان کمان به حصارهای دور غزه، شرایطی را پیش آورده که ممکن است امکان تولید این معنای اجتماعی کلان وجود داشته باشد. جنگی بزرگ و وحشیانه در غزه با قتل عام ده ها هزار جان بی گناه، معنایی انسانی و اسلامی این جامعه را دوباره به صدر آورده است تا از حصار معنایی واگراییانه عبور کند. کمتر کسی است که از حداقل های انسانیت بهرو برده باشد اما بازم از این کشتار بی سابقه دفاع کند. لذا یک رمز در گفتن سیاسی سابق در کشور از بین رفته است. همچنین هوشمندی رهبری معظم انقلاب در عدم ورود به جنگ تا زمان حمله به خاک ایران، باعث شده تا جامعه عمیقاً فهم کند که طرف مقابل است که خواهان جنگ و خواران تشدید است و نه جمهوری اسلامی ایران. در این میان توان موشکی و نظامی کشور در عبور از پدافند چندملیتی در وعده صادق و اصابت بر تعداد و ضربه زنده در وعده صادق ۲ باعث شده تا ادعاهای کارآمدی نظام حکمرانی در این وجه برای همگان حتی آنان که با جمهوری اسلامی مرزبندی دارند، اثبات شود.

این شرایط، وضعیت اجتماعی کشور را برای تولید معنای اجتماعی کلان آماده و مهیا می سازد. به ویژه آنکه مسئله، دفاع از کشور و ایران در مقابل دشمنی است که انقلاب اسلامی برای سال ها، دشمن بودن او را فریاد می زده و حالا اتفاقاً این دشمنی با وجود خوبیش داری ایران از هر لحظه ای واضح تر و نمایان تر است. اینجاست ولی قبیله جامعه خود را نشان می دهد. همان طور که امام خمینی (ره) توانست مسیری را برای معنا و کنش جمعی پیش پای جامعه ایران بگذارد، اینجا نیز امام جامعه، شخصا به میدان می آید تا معنای جمعی ضد راهبرد طرف مقابل امکان ظهور یابد. حضور میلیونی در نماز جمعه و حمایت از این کنشگری امام جامعه به صورت عملی نیز، واقعیت را هم در اذهان و هم در عرصه به صورت جمعی تولید کرد.

حالا پس از این برهه ویژه، لحظه تولید معنای جمعی، کنش جمعی و هنجارهای عمومی حول آن است. نماز جمعه یکی از جلوه های این کنش جمعی بود اما می تواند گسترده تر هم بشود. یعنی باید گسترده تر بشود تا معنا بازتولید و تعمیق شود. متأسفانه ابزارهای این موضوع برای نظام حکمرانی کم و حداقلی است. شاید بتوان گفت، احتمالاً صداوسیما هر پویشی را که راه بیندازد، تبدیل به فرایندی ضد قصد این متن شود چرا که خودش در برخی برهه ها، بخشی از تقلبیت های واگراییانه بوده و دیگر معنای جمعی به شکل مطلوب را از دست داده است. سازان های دیگر نیز که درون حاکمیت تعریف می شوند، کم و بیش با همین مشکل مواجهند. لذا سپردن امر به هسته های مردمی و نخبگانی، لازمه پیشبرد امر است. در این مرحله، خود گاهی از این برهه حساس بسیار راهگشا است تا گروه های مختلف را وارد صحنه کند و صداهای خاموش یا شنیده نشده را به متن اجتماع ملای بازگرداند.

اما ظرفیت دولت وفاق و حضور کسانی که اتفاقاً ادبیات و واگراییه از اقل این توزیع می کردند باید مورد توجه واقع شود. گرچه بازم برای آن کلیت و شمولیت نقصان جدی دارد. اینجا است که سبب بودن کنشگری برخی فعالان سیاسی و رسانه ای در هفته گذشته برای فشار به دولتی ها و نظامی ها مشخص می شود. کسانی که وضعیت این جنگ تمدنی را با عینک انتخابات ۱۵ تیرماه تحلیل می کنند و مسئله ای با این عمق را به مسائل سیاست داخلی کشور تقلیل می دهند، رفتارهایی که اتفاقاً بخشی از تعلیل مسئله شکست همین ها در انتخابات اخیر هم می تواند باشد.

آنچه مهم است درک تفاوت های اجتماعی و تعریف این معنی جدید بر اساس آن تفاوت ها البته با تکیه بر اصول اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی است. این انعطاف حتماً و قطعاً وجود داشته و دارد و می تواند در رسیدن به این هدف بسیار اساسی دوباره به کار بیفتد.

باید دقت داشت که تمام تلاش دشمن در طول دوران پس از انقلاب، به ویژه در یک دهه اخیر، فعال کردن همین گسل های واگراییانه بوده است. حالا امکان بازتولید این امر به وجود آمده و شاید بتوان با کمک آن، برای دوران پس از جنگ هم معناسازی مشترک کرد. ما برای رسیدن به ایده های مشترک در مسیر توسعه و پیشرفت به این معناسازی اجماعی نیازمندیم. ایران قوی که قبلاً هم توسط عالی ترین مقام جنگ مطرح شده است، جایگاه مفهومی لازم را دارد. مفهومی که افراد از هر قشری را دور خود جمع می کند تا توسعه و پیشرفت را به امر عمومی تبدیل کند و از سد دعواهای سیاسی کورکانه عبور دهد. باید از این معنا حراست و آن را تعمیق کرد.

در این میان، آنتهای بیرون می افتند که هیچ اعتباری برای مصدر این مفهوم قائل نیستند و البته ایبان واقعاً کمند. اما باید برای بازگرداندن آنها به تلاش مکنفی عملی کرد. همچنین اپوزیسیونی که اعتبار و سرمایه خود را از همان جانان قتل می گیرد، با این مفهوم خواهد جنگید. آنها که بین انسانیت و پول دشمنان این کشور، دومی را انتخاب کردند و در کنار تهدید کننده زیرساخت های کشور ایستادند. ایبان بخشی از همان جبهه مقابلند و لوزوی در ایران متولد شده باشند.

خطر بعدی، بازی های کورکانه یا خود حق پندارانه برخی مدعیان انقلابی گری است که به حق صفت سوپرانقلابی بر آنها صدق می کند. کسانی که خود را مدار انقلاب می دانند و حاضرند برای دفاع از آن، همه مردم را از انقلاب بیزار کنند. کسانی که اگر وعده صادق ۲ چند روز دیگر به تأخیر می افتد، بعد نبود رهبری را هم از دایره انقلابی گری بیرون بیندازند. مهم، قدم بعدی از بطن جامعه به ویژه نخبگان برای بازتولید معنای اجتماعی نماز جمعه در قالب های جدید است. این فرصت برآمده از یک سال جنگ رزمندگان جبهه های اسلام، خون شهدان بی مانند و ولایتمداری عمومی مردم ایران است که به راحتی تکرار نخواهد شد. باید آن را مغتنم شمرد.



۵۰۰۰ قتل

برای انتخابات

دموکرات ها، جمهوری خواهان و نتانیاهو

با افزایش تنش و جنگ چه پروژه هایی را پیش می برند؟

حیفاً می گوید حزب الله زنده است

مقاومت لبنان با تغییر راهبرد، شهرک نشین ها را هدف گرفت. آیا معادلات جنگ تغییر می کند؟

درباره «خشم» که این روزها رکن اصلی آثار نمایش خانگی است

از چی عصبانی هستید؟

تحقق مأموریت های فضایی برنامه هفتم با کاهش سهم فضا

از بودجه عمومی شدنی نیست

با این اعداد در فضا نمی مانیم!